

## اندیشه های حدیثی

علامه محمدتقی شوشتری (ره)

در کتاب النجعة (۲)

◀ محمدحسین بهرامی

النجعة

فیشرح اللغات

تأليف

المؤلف

امام شیخ محمدتقی الشری

استاد

المخبرین من فسر الصلاة

مکتب القادری

بخش اول این مقاله در شماره ۳۱ به چاپ رسید و اینک بخش پایانی آن تقدیم می گردد.\*

### دیدگاه های خلاف مشهور

مرحوم علامه با توجه به نظری که درباره شهرت قدما دارند و این شهرت را باعث ترجیح یک روایت بر روایات متعارض می دانند، در مواردی دارای نظریاتی هستند که اگر چه موافق مشهور متقدمین است، ولی با شهرت متأخرین متعارض است. در اینجا به ذکر چند نمونه از این دیدگاه ها می پردازیم:

- نجاست آب چاه با ملاقات نجس<sup>۱</sup>،

- تولد پیامبر اکرم (ص) در دوازدهم ربیع الاول<sup>۲</sup>،

- حکم زن حیض در حج<sup>۳</sup>.

\* گفتنی است که عنوان (۱) در شماره پیشین فصلنامه افتاده است.

۱. النجعة، ج ۱، ص ۳۲.

۲. همان، ج ۴، ص ۳۶۶.

۳. همان، ج ۵، ص ۸۵-۷۹.



#### د. مبانی و روش های نقد حدیث

همان گونه که گذشت، مرحوم علامه شوشتری ابتدا حاشیه ای بر اللمعة نوشتند که اخبار آن را با توجه به وسائل ذکر نمودند. در هنگام بازنگری این حاشیه احادیث را از خود کتب اربعه و دیگر مصادر اولیه جمع آوری نموده و متوجه تفاوت فاحش بین جوامع متأخر و کتب اربعه شدند و به همین دلیل در جای جای کتاب خود به این اشکالات اشاره می نمایند.

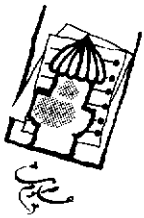
شاید همین امر موجب تقویت این فکر در ایشان شد که با توجه به جمع آوری کتب اربعه از اصول اربعه معید نیست که به همین میزان یا بیشتر، در نقل احادیث اشتباه وجود داشته باشد. البته دیگر اصول اربعه معید به صورت کامل در اختیار نبود تا بتوان، با اطمینان، موارد اختلاف و اشتباه را ثبت و ضبط نمود، ولی مرحوم علامه با توجه به تبحر و تسلط فراوانی که بر مسائل حدیثی و به ویژه رجالی داشتند توانستند، موارد فراوانی از اشکالات در نقل حدیث و یا مواردی از جعل حدیث را شناسایی و به آنها اشاره نمایند. شاید به سختی بتوان در میان کتاب عظیم النجعة دو یا چند صفحه پی در پی پیدا کرد که در آنها به مواردی از تحریف یا تصحیف اشاره نشده باشد.<sup>۴</sup>

جمع آوری این حجم عظیم از اشکالات و دگرگونی ها مرحوم علامه را بر آن داشت که کتاب مستقلی با موضوع روایات جعل شده و روایات تغییر یافته بنویسد. این کتاب - که الاخبار الدخيلة<sup>۴</sup> - نکته جالبی که ذکر آن در اینجا خالی از فایده نیست، تاکید بر این نکته است که کار هیچ انسانی خالی از خطا و اشتباه نیست و تنها خداوند است که اشتباه و خطا در کار او راه ندارد:

لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (سوره نساء، آیه ۸۳).

مؤید این نکته مقاله ای است با عنوان اللمعة در النجعة که نویسنده سعی کرده نحوه نقل عبارات اللمعة را در کتاب النجعة بررسی کند.

وی با توجه به نسخه های مختلف کتاب اللمعة خطاهای علامه شوشتری در نقل عبارات اللمعة را روشن نموده و در سه بخش تصحیح، افتادگی ها و اضافات به موارد متعددی از این اشتباهات اشاره نموده است. این تعداد اشتباه از مرحوم علامه - که همواره بر نقل از منابع اصلی و دقت در نقل تاکید می کند - بسیار غیر منتظره است، به ویژه این که ایشان گاهی عبارات اللمعة را از دو یا چند نسخه مختلف نقل می کند (اللمعة در النجعة، سید حسن فاطمی، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۴، سال ۱۳۷۹).



نام گرفت- ابتدا در یک جلد چاپ شد و سپس مستدرکی در سه جلد بر آن نوشته شد.

کتاب الاخبار الدخیلة تقریباً همزمان با النجعة چاپ شد. البته آخرین جلد از مستدرک های الاخبار الدخیلة در سال ۱۳۶۵ به چاپ رسید، در حالی که آخرین جلد از النجعة در سال ۱۳۷۲ منتشر شد. از این رو، در هر کدام از این دو کتاب مواردی یافت می شود که در دیگری به آن اشاره نشده است. در النجعة مواردی وجود دارد که به خاطر کم اهمیت بودن آنها یا این که علامه بعدها متوجه آن شده، در الاخبار الدخیلة نیامده است. در الاخبار الدخیلة هم مواردی هست که چون خارج از موضوعات فقهی است، در النجعة به آنها اشاره نشده است. ضروری به نظر می رسد که با توجه به مستدرک بودن سه جلد از الاخبار الدخیلة این مستدرکات داخل در متن شود تا پس از اضافه کردن مواردی از النجعة - که در الاخبار الدخیلة اشاره ای به آنها نشده است- مجموعه نسبتاً جامعی از موارد وقوع تصحیف و تحریف از دیدگاه علامه پدید آید.

موضوع قابل طرح دیگر در این قسمت، نحوه دستبندی علامه در کتاب الاخبار الدخیلة است. اولاً این تقسیم بر مبنای واحدی صورت نگرفته است و ثانیاً با توجه به کثرت و تنوع موارد، نمی توان تمام موارد را در این اقسام جای داد.

در اینجا این بخش را به دو قسمت تحریف و تصحیف و جعل تقسیم می نمایم و در قسمت تحریف و تصحیف، در دو عنوان، اقسام تحریف و روش های کشف تحریف بحث را پی می گیریم؛ هر یک از این عناوین نیز در دو زمینه متن و سند قابل پیگیری است.

### تحریف و تصحیف

در این بحث ما از عنوان تحریف استفاده می کنیم و منظور ما از تحریف، تغییر در حدیث است؛ چه در متن و یا در سند روایت؛ چه تغییر عمدی باشد چه سهوی؛ و چه عامل آن مشابهت در کتابت باشد و چه غیر آن.

مباحث مربوط به تحریف را می توان به دو قسمت عمده تقسیم نمود: الف. اقسام

تحریف، ب. روش های کشف تحریف.



## ۱. اقسام تحریف

تحریفاتى که در کتاب النجمة از آنها نام برده شده، دارای اقسام مختلفی است که در اینجا به برخی از آنها اشاره نموده و مثال هایی را برای هر یک ذکر می نمایم. در یک تقسیم کلی می توان تحریفات را به دو دسته تحریف در سند حدیث و تحریف در متن حدیث تقسیم نمود.

### الف) اقسام تحریف در سند

#### ۱. سقوط بخشی از سند

یکی از رایج ترین اقسام تحریف در سند، سقوط نام یک یا چند راوی از سلسله سند است. الکافی در کتاب تجارت روایتی را با سند زیر آورده است:

عن احمد(البرقی) عن محمد بن علی، عن یزید بن اسحاق، عن هارون بن حمزة، عن ابی حمزة، عن الصادق(ع): ایما عبد اقال مسلما فی بیع اقاله الله عشرته یوم القيامة.<sup>۵</sup>

التهدیب همین روایت را با سند دیگری نقل می کند.

عن کتاب احمد الاشعری، عن یزید ابن اسحاق، عن هارون بن حمزة، عن الصادق(ع): ایما عبد مسلم - الخیر.<sup>۶</sup>

مرحوم علامه پس از بررسی کیفیت نقل این دو روایت در الوافی و وسائل می فرماید: ظاهراً بخشی از سند التهدیب افتاده است.

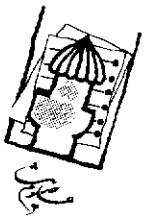
و مؤید این سخن را روایت کتاب الاخوان می دانند که سند روایت را مانند الکافی ذکر

کرده است.<sup>۷</sup>

۵. الکافی، ج ۵، ص ۱۵۳.

۶. تهدیب الأحکام، ج ۷، ص ۸.

۷. النجمة، ج ۷، ص ۳۳۷-۳۳۶.



## ۲ . جابه‌جایی سند

در برخی موارد تقدیم و تأخیر رجال مذکور در سند صحیح نقل نمی‌شود؛ به عنوان نمونه روایت زیر را التهذیب در باب کیفیت صلاة آورده است:

عن ابی بکر الحضرمی، عن ابيه، عن الصادق(ع)، قال النبى(ص): لا تصل و انت تجد شيئاً من الاخبثين.<sup>۸</sup>

مرحوم علامه معتقد است با توجه به اینکه حضرمی مستقیماً از امام صادق(ع) نقل می‌کند، عبارت «عن ابيه» جابه‌جا شده است و باید پس از «عن الصادق(ع)» بیاید.<sup>۹</sup>

## ۳ . تبدیل نام راوی به نام دیگر

الفقیه در باب وصایا روایتی را نقل می‌کند:

عن ابی المحامل، عنه(ع): الانسان احق بماله مادام الروح فی بدنه.<sup>۱۰</sup>

التهذیب این روایت را از ابی شعیب محاملی نقل می‌کند.<sup>۱۱</sup> مرحوم علامه نیز با توجه به معروف بودن ابی شعیب محاملی نقل التهذیب را صحیح‌تر دانسته و ابی المحامل را محرف می‌داند.<sup>۱۲</sup>

## ۴ . تحریف در نام امام(ع)

الکافی روایتی را از محمد بن یحیی نقل کرده، در آن آمده است:

عن محمد بن یحیی باسناده رفعه سئل ابوالحسن(ع): ما حد الغائط؟ قال: لا

تستقبل القبلة و لا تستدبرها - الخیر.<sup>۱۳</sup>

۸ . تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۲۶.

۹ . النجمة، ج ۳، ص ۳۶۱.

۱۰ . ظاهراً مرحوم علامه اشتباه نموده، چون این روایت به این شکل در الکافی آمده. نه الفقیه(الکافی، ج ۷، ص ۸).

۱۱ . تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۱۸۷.

۱۲ . النجمة، ج ۶، ص ۴۷۰.

۱۳ . الکافی، ج ۳، ص ۱۵.



التهدیب همین روایت را با سند متفاوتی نقل کرده :

عن محمد بن یحیی ؛ و احمد بن ادریس ، عن محمد بن احمد بن یحیی ، عن یعقوب بن یزید ، عن ابن ابی عمیر ، عن عبدالحمید بن ابی العلاء او غیره ، رفعه  
سئل الحسن بن علی (ع) .<sup>۱۴</sup>

مرحوم علامه به قرینه سند التهدیب و به قرینه سند الفقیه - که او هم از حسن بن علی (ع) نقل کرده است - نقل الکافی را تحریف شده می داند و معتقد است «ابوالحسن (ع)»  
محرّف «حسن بن علی (ع)» است .<sup>۱۵</sup>

در پاره ای از موارد نیز تحریف نام امام از اشتباه در تشخیص ناشی می شود ، نه خطای در کتابت ؛ به عنوان مثال التهدیب در اول کفاراتش روایتی را نقل می کند :

عن السکونی ، عن جعفر ، عن ایبه ، عن علی (ع) : ام الولد تجزی فی الظهار .<sup>۱۶</sup>  
مرحوم علامه ، منظور از علی (ع) را در این روایت امیر المؤمنین (ع) می داند ، در حالی که جواهر آن را روایت امام سجاد (ع) دانسته و آورده است :  
این روایت از زین العابدین (ع) است که الفقیه<sup>۱۷</sup> آن را در آخر بحث ظهار و قبل از لعان آورده است .<sup>۱۸</sup>

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵ . تحریف ابن به عن یا عکس آن

در روایت التهدیب در «باب زکات» مال الغائب آمده است :

عن مسیره عن عبدالعزیز : سألت ابا عبدالله (ع) عن الرجل یكون له الدین ایزکیه؟ قال :  
کل دین یدعه هو اذا اراد اخذه فعليه زکاته و ما کان لا یقدر علی اخذه فلیس علیه زکاة .<sup>۱۹</sup>

۱۴ . تهذیب الاحکام ، ج ۱ ، ص ۲۶ .

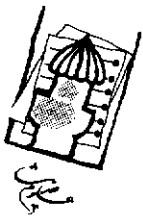
۱۵ . النجمة ، ج ۱ ، ص ۱۸۱ .

۱۶ . تهذیب الاحکام ، ج ۸ ، ص ۳۱۹ .

۱۷ . من لایحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۵۳۹ .

۱۸ . النجمة ، ج ۶ ، ص ۲۴۹ .

۱۹ . تهذیب الاحکام ، ج ۴ ، ص ۳۲ .



به نظر مرحوم علامه در این روایت «مسیره عن عبدالعزیز» محرف «میسره بن عبدالعزیز» است؛<sup>۲۰</sup> بر خلاف روایت دیگری که التهذیب در زیادات حج نقل نموده است:

عن صفوان بن یحیی الازرق عن ابی الحسن (ع): سألته عن امرأة تمتعت بالعمرة الى الحج ففرغت من طواف العمرة...<sup>۲۱</sup>

که در این روایت مرحوم علامه «صفوان بن یحیی الازرق» را محرف «صفوان عن یحیی الازرق» می دانند.<sup>۲۲</sup>

#### ۶. تحریف در اسناد روایت به کتاب

نمونه هایی از این نوع تحریف را قبلاً در بحث جوامع متاخر ذکر نمودیم، ولی این نوع تحریف اختصاص به جوامع متاخر ندارد؛ به عنوان نمونه التهذیب روایت زیر را از الکافی نقل نموده است:

عن زرارة، عن الباقر (ع): الاذان جزم بافصاح الالف والهاء والاقامة حدر.<sup>۲۳</sup>  
علامه این روایت را در الکافی نیافته و وسائل و حاشیه نویس آن نیز نتوانسته اند آن را در الکافی بیابند، فقط در کمال تعجب، الوافی آن را از کتاب الکافی نقل کرده<sup>۲۴</sup> که آن هم احتمالاً اشتباه است، چون در مقابل از خود التهذیب نقل نکرده است.<sup>۲۵</sup>

#### ب) اقسام تحریف در متن

اقسام تحریف هایی که ممکن است در متن روایت روی دهد نیز متعدد است، که در این قسمت به برخی از آنها اشاره نموده و مثال هایی را برای هر یک می آوریم:

۲۰. النجعة، ج ۴، ص ۱۱.

۲۱. تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۳۹۸.

۲۲. النجعة، ج ۵، ص ۳۰۶.

۲۳. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۵۸.

۲۴. الوافی، ج ۷، ص ۵۷۶.

۲۵. النجعة، ج ۲، ص ۲۱۶.



۱ . زیاده در متن

در برخی موارد، قسمت اضافه شده یک حرف است. ۲۶

در دسته ای دیگر از روایات، احتمالاً یک کلمه اضافه شده است. ۲۷

گروه بعدی، روایاتی هستند که احتمالاً یک جمله به آنها اضافه شده است؛ به عنوان نمونه در روایتی از التهذیب آمده است:

عن ابن ابی عمیر، عن رهط سمعوه (ای الصادق (ع)) یقول: ان التیسیم فی الصلاة

لا ینقض الصلاة و لا ینقض الوضوء، انما یقطع الضحک الذی فیہ القهقهه. ۲۸

التهذیب در توجیه این روایت سعی کرده است «انما یقطع الضحک» را فقط در مورد

نماز بدانند و وضو را از شمول حکم خارج نماید؛ ولی مرحوم علامه می فرماید:

بهتر است این خبر را تحریف شده بدانیم که «لا ینقض الوضوء» در آن زیاد شده است. ۲۹

۲ . سقوط بخشی از متن

سقوط قسمتی از متن نیز ممکن است به شکل های مختلفی روی دهد. در برخی

موارد، احتمال دارد یک جمله و یا بخشی از روایت از متن حذف شده باشد. التهذیب در

الصلاة علی الاموات روایتی را نقل کرده است:

عن جابر، عن الباقر (ع)، قلت له: ارایت ان فاتتني تكبيرة او اكثر؟ قال: تقضى

مافاتك. قلت: استقبال القبلة؟ قال: بلى وانت تتبع الجنابة، ان النبي خرج على

جنابة امرأة من بنی النجار فصلی علیها فوجد الحفرة لم یمكنوا فوضعو الجنابة

فلم یجیء قوم، الا قال لهم: صلوا علیها. ۳۰

۲۶. همان، ص ۱۷۷ و ج ۳، ص ۸۵.

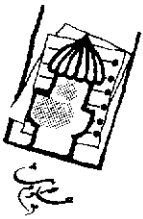
۲۷. همان، ج ۱، ص ۲۹.

۲۸. الوافی، ج ۱، ص ۱۲.

۲۹. النجعة، ج ۲، ص ۳۵۷.

۳۰. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۶۵.





مرحوم علامه معتقد است بخشی از روایت دچار افتادگی و حذف شده است؛ چون سؤال و جواب اولیه بین جابر و امام(ع) درباره کسی است که در وسط نماز امام رسیده است، در حالی که امام(ع) مثالی را ذکر می کنند که درباره کسی است که پس از نماز امام رسیده باشد. احتمالاً قسمتی از روایت - که در آن موضوع بحث عوض شده یا سؤالی از موضوع جدید شده - حذف شده است.<sup>۳۱</sup>

مرحوم علامه در چند قسمت از کتاب النجعة و با عبارات مختلف این مساله را تکرار می کنند که وقوع سقط و حذف بخشی از عبارت در روایات زیاد است.<sup>۳۲</sup> شاید به خاطر وجود همین دیدگاه باشد که بخش عمده ای از موارد تحریف - که علامه در کتاب خود احتمال آن را مطرح می نماید - درباره سقط از روایت است.

### ۳ . جابه جایی در متن روایت

الكافی در روایتی آورده است :

عن ابي بصير عنه(ع): ان جبرئيل قال: «انا لا ندخل بيتاً فيه صورة ولا كلب -

يعني صورة الانسان - ولا بيتاً فيه تماثيل».<sup>۳۳</sup>

مرحوم علامه معتقد است در اینجا عبارت «يعني صورة الانسان»، توضیح برای

«صورة» اولی است که به خطا پس از «و لا كلب»<sup>۳۴</sup> آمده است.<sup>۳۵</sup>

### ۴ . نقل به معنا

در موارد متعددی که دو روایت به یک مضمون از یک راوی نقل شده است، مرحوم

علامه معتقد است این دو روایت یکی هستند و به خاطر نقل به معنا به دو صورت نقل

۳۱. النجعة، ج ۱، ص ۳۹۵ و ۳۹۶.

۳۲. النجعة، ج ۱، ص ۴۵۲ و ج ۲، ص ۲۷۰ و ج ۲، ص ۲۷۵.

۳۳. الكافی، ج ۶، ص ۵۲۷.

۳۴. النجعة، ج ۷، ص ۲۲.

۳۵. همان، ج ۲، ص ۳۵۹.



شده اند. حتی گاهی اوقات - که نام امام(ع) نیز تغییر یافته است - ایشان ضمن توجیه این تغییر نام، دو روایت را یکی می داند.

به عنوان مثال، الفقیه روایت مرفوعه ای را نقل می کند:

عن الصادق(ع): افسد ابن مسعود علی الناس صلاتهم بشیئین بقوله: «تبارک اسم ربك و تعالی جددك»، و هذا شیء قالته الجن بجهالة، فحکاه الله تعالی عنها، و بقوله: «السلام علينا و علی عباد الله الصالحین»، یعنی فی التشهد الاول، و اما فی التشهد الثانی بعد الشهادتین فلا بأس به - الخ. ۳۶

التهدیب روایت را با ذکر سند آن چنین آورده است:

عن میسر، عن الباقر(ع): شیئان یفسد الناس بهم صلاتهم. قول الرجل - الی - و علی عباد الله الصالحین. ۳۷

مرحوم علامه برای جمع بین این دو روایت و اثبات وحدت آنها می فرماید:

در روایت الفقیه گفته است: «قال الصادق(ع)» و نگفته: «قال ابو عبد الله(ع)» و از آنجایی که همه ائمه صادق اند پس ممکن است هر دو روایت از یک امام نقل شده باشد و احتمالاً منظور از «الناس» در روایت التهدیب نیز همان ابن مسعود است. ۳۸

۵. تغییر در بخشی از الفاظ روایت

در برخی موارد کلمه یا جمله ای از روایت به خاطر مشابهت دچار تغییر می شود؛ به

عنوان مثال، التهدیب روایتی را نقل می کنند:

عن عبد الرحمن البصری، عن الصادق(ع) - فی خبر - قلت: ایاکل الجنب قبل ان يتوضأ؟ قال: انا لنکسل ولكن لیغسل یده و الوضوء افضل. ۳۹

۳۶. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۰۱.

۳۷. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۱۶. البته در این نسخه به جای «بهم»، عبارت «بهما» آمده است.

۳۸. النجعة، ج ۲، ص ۳۰۱.

۳۹. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۷۲.



مرحوم علامه به قرینه سیاق جمله، «انا لنكسل» را تحریف شده «انه ليكسل» می داند و می فرماید:

تفاوت این دو در نوشتار بسیار کم است. ۴۰

البته این نوع تحریف همیشه ناشی از تشابه خطی نیست. ۴۱

#### ۶. خلط حاشیه با متن

به عنوان مثال، الفقیه در احکام سهو در نماز روایتی را نقل کرده است:

قال الصادق(ع): لا يفوت الصلاة من اراد الصلاة لا تفوت صلاة النهار حتى تغيب الشمس ولا صلاة الليل حتى يطلع الفجر وذلك للمضطر والعليل والناسي. ۴۲

مرحوم علامه با توجه به این که عبارت «و ذلك - الخ» در التهذیب و الاستبصار نقل نشده، معتقد است این عبارت از آن الفقیه است که آن را با روایت خلط نموده است. ۴۳

#### ۷. خلط بین دو روایت

اما به عنوان نمونه، این نوع از خلط می توان از روایت ابی بصیر در الکافی نام برد که آورده است:

عن ابی بصیر، عنه(ع): ان صليت مع قوم فقرا الامام «اقرا» او شيئاً من العزائم و فرغ من قرائته و لم يسجد، فاوما ايماء، و الحائض تسجد اذا سمعت السجدة. ۴۴

مرحوم علامه در ذیل این روایت می فرماید:

۴۰. النجمة، ج ۲، ص ۲۱۵.

۴۱. همان، ج ۲، ص ۳۷۴.

۴۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۵۵. البته در این نسخه به جای «لا تفوت» دوم، «و لا تفوت» است.

۴۳. النجمة، ج ۲، ص ۵۰.

۴۴. الکافی، ج ۳، ص ۳۱۸. در این نسخه به جای «اقرا» آمده است: «اقرا باسم ربك الذي خلق».



عبارت «و الحائض تسجد اذا سمعت السجدة» ربطی به ماقبلش ندارد و به جای آن باید می گفت: «وائت بها بعد السلام». بعید نیست که این عبارت مربوط به حدیث دیگری باشد که در بین سطرها آمده و در نهایت، با این روایت خلط شده است. ۴۵.

## ۲. روش های کشف تحریف

در این قسمت به بیان نحوه دستیابی به روایاتی که تغییری در آنها صورت گرفته است می پردازیم و چند دسته از این روش ها را به همراه مثال هایی از النجعة بیان می کنیم.

### ۱. مقابله نقل های کتب مختلف

مقابله نقل های یک حدیث در کتب مختلف گاهی نشانگر وقوع تحریف در سند است؛ به عنوان مثال، الکافی درباره بیع مصاحف روایتی را چنین نقل می کند:

عن عثمان بن عیسی عن سماعة عنه (ع): سألته عن بیع المصاحف و شراءها، فقال: لا تشتتر کتاب الله - عزوجل - ولكن اشتر الحدید و الورق و الدفتین و قل اشتری منك هذا بكذا و كذا. ۴۶.

التهدیب همین روایت ۴۷ را از کتاب حسین، با کمی تفاوت در سند، چنین نقل می کند:

عن عثمان بن عیسی، عمّن سمعه. ۴۸.

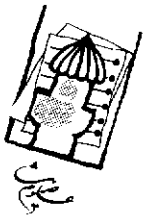
به نظر علامه، شکی در تحریف در سند التهدیب نیست، و عامل آن هم تشابه خطی است. در این روایت، تفاوت سند با سند همین روایت در کتاب دیگر قرینه وقوع

۴۵. النجعة، ج ۲، ص ۲۶۸.

۴۶. الکافی، ج ۵، ص ۱۲۱.

۴۷. بحث از چگونگی تشخیص وحدت یا تعدد روایات مشابه از دیدگاه علامه در پایان همین قسمت خواهد.

۴۸. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۶۵.



تحریف<sup>۴۹</sup> قرار گرفته است. <sup>۵۰</sup> گاهی نیز مقابله نقل کتب مختلف، پرده از وقوع تحریف در متن برمی دارد. <sup>۵۱</sup>

۲. مقابله نقل های مختلف موجود در یک کتاب

الکافی در «باب ثواب من عزى حزیناً» روایتی را چنین نقل می کند:

عن السکونی، عن الصادق (ع)، عن النبی (ص): من عزى حزیناً کسی فی الموقف حله یحیر بها. <sup>۵۲</sup>

و در جای دیگری همین روایت را با این سند نقل می کند: عن اسماعیل الجزری عنه (ع). <sup>۵۳</sup>

مرحوم علامه در اینجا کلمه جزری را در سند دوم محرف شعیری می داند تا در این صورت سند دو روایت یکی شود. (در الرجال آمده است که اسماعیل شعیری همان سکونی است). <sup>۵۴</sup>

این نمونه ای بود برای آن که مقابله نقل های یک کتاب نشانگر وقوع تحریف در سند یک حدیث است؛ اما ممکن است این تحریف در متن حدیث باشد. <sup>۵۵</sup>

۳. مقابله نسخه های مختلف از یک کتاب

الفقیه در اول باب ما یجب من الصوم علی المتمتع آورده است:

۴۹. النجمة، ج ۷، ص ۷۷.

۵۰. همان، ج ۷، ص ۲۲۰.

۵۱. همان، ص ۴۱ و ج ۷، ص ۴۲.

۵۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۰۵.

۵۳. همان، ج ۳، ص ۲۲۶. البته در این نسخه آمده است: «اسماعیل الجزوی».

۵۴. النجمة، ج ۱، ص ۴۲۶.

۵۵. همان، ج ۳، ص ۲۹۸ و ج ۷، ص ۲۶.



روی عن النبی (ص) و الائمه (ع): ان المتمع اذا وجد الهدی و لم يجد الثمن صام  
ثلاثة ايام فی الحج ....

علامه معتقد است عبارت «عن النبی (ص)» بعداً زیاد شده؛ چون در دو نسخه  
چاپی<sup>۵۶</sup> و نسخه خطی تصحیح شده، این عبارت وجود ندارد. همچنین در نقل الوافی<sup>۵۷</sup>  
از الفقیه این عبارت<sup>۵۸</sup> نیامده است.<sup>۵۹</sup>

#### ۴. عدم تطابق سند و متن از نظر ضمائر

سه مورد قبلی جزء مواردی بود که می توانست خطای در سند یا متن را آشکار سازد.  
مورد چهارم از عدم تناسب بین متن و سند ناشی می شود و نشان می دهد که در این میان،  
یکی از این دو تحریفی واقع شده است؛ به عنوان مثال، الکافی درباره دفن شهید روایتی را  
نقل می کند:

عن اسماعیل بن جابر و زرارة عن الباقر (ع) قال: قلت له: کیف رایت الشهید  
یدفن بدمائه؟ قال: نعم فی ثیابه بدمائه و لا یحنت و یدفن كما هو ....<sup>۶۰</sup>

مرحوم علامه در ذیل این خبر می فرماید:

با توجه به این که خبر از دو نفر است، پس باید «قال: قلت» محرف «قالا: قلنا»  
باشد، یا این که خبر از دو نفر نباشد و عبارت «عن اسماعیل بن جابر و زرارة» در  
سند محرف «عن اسماعیل بن جابر، عن زرارة»<sup>۶۱</sup> باشد.<sup>۶۲</sup>

۵۶. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۰۸.

۵۷. الوافی، ج ۱۴، ص ۱۱۸۹.

۵۸. النجمة، ج ۵، ص ۴۲۲.

۵۹. همان، ج ۲، ص ۵۳.

۶۰. الکافی، ج ۳، ص ۲۱۱.

۶۱. النجمة، ج ۱، ص ۳۳۲.

۶۲. همان، ج ۱، ص ۱۰۶.



۵. به قرینه طبقه راوی در الرجال

این مورد فقط نشانگر وقوع تحریف در سند است. التهذیب در «باب صلاة» روایتی را نقل می‌کند:

عن ابی بکر الحضرمی، عن ابيه، عن الصادق(ع)، قال النبي(ص): لا تصل و  
انت تجد شيئاً من الاخشبين. ۶۳

مرحوم علامه پس از ذکر این روایت می‌فرماید:

ظاهراً عبارت «عن ابيه» باید پس از «عن الصادق(ع)» بیاید؛ چون ابوبکر  
حضرمی مستقیماً از امام صادق(ع) نقل می‌کند. ۶۴

۶. مقایسه با دیگر احادیث باب

روش‌هایی که از این پس نام می‌بریم، معمولاً اختصاص به متن دارند، نه سند روایت.  
مقایسه روایت با روایت‌های دیگری که در آن باب وارد شده، می‌تواند نمایانگر وقوع  
تحریف در متن باشد؛ به عنوان نمونه؛ التهذیب در ابواب کتاب تجارت چنین آورده است:

عن ابی بصیر، عنه(ع)، سألته عن الفارة تقع في السمن او في الزيت فتموت  
فيه، قال: ان كان جامداً فيطرحها و ما حولها ويؤكل ما بقى، و ان كان ذائباً  
فاسرج به و اعلمهم اذا بعته. ۶۵

در روایت بالا مرحوم علامه با توجه به دو روایت نقل شده از الکافی، که در آنها  
تقسیم به مایع و جامع را فقط درباره سمن(روغن، کره) - که احتمال مایع یا جامد بودن آن  
می‌رود - بیان کرده و زیت(روغن زیتون) را ملحق به سمن مایع نموده است می‌فرماید:

پس باید به جای عبارت «ان كان جامداً» گفته شود: «السمن ان كان جامداً»، و  
در انتهای روایت هم این عبارت بیاید: «والزيت مثل ذلك». ۶۶

۶۳. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۲۶.

۶۴. النجمة، ج ۲، ص ۳۶۱.

۶۵. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۲۹.

۶۶. النجمة، ج ۷، ص ۸ و ۷.



۷. مخالفت با روایات متواتر یا مشهور (شاذ بودن روایت)

الکافی در روایتی درباره پیاده به حج رفتن آورده است:

عن رفاعة، عن الصادق(ع)، سألته عن مشى الحسن(ع) من مكة او من المدينة، فقال: من مكة. ۶۷

مرحوم علامه به قرینه روایات متواتر بر این که حج امام حسن(ع) از مدینه بوده، نه از مکه می فرماید:

امام در جواب فرموده اند: از مدینه - کما این که متواتر است -؛ اما بعداً معکوس شده و به نقطه مقابل آن<sup>۶۸</sup> تبدیل شده است. ۶۹

۸. مقایسه با روایات نقل شده در کتب عامه

الکافی در اول هشتمین باب از ابواب کتاب حیض روایتی را به تفصیل از عبیدی از یونس از افراد متعددی نقل می کند<sup>۷۰</sup> که در آن، امام صادق(ع) از قول پیامبر اکرم(ص) به تفصیل اقسام حائض و احکام آن را در سه قسمت بیان می کنند. در قسمت اول، درباره حائض صاحب عادتی سخن می گویند که استحاضه شده و این حالت در او دوام پیدا کرده است. برای این مورد، مساله فاطمه بنت ابی حبیث را مثال می زنند که مشکل خود را با ام سلمه در میان گذاشت و او نیز از پیامبر(ص) پرسید.

امام(ع) در قسمت دوم، درباره حائضی سخن می گویند که مدتی ترتیب زمانی او کم و زیاد شده و سپس به طور مداوم استحاضه بوده و حکم آن را بیان می کنند و نمونه ای که برای مورد دوم ذکر می کنند، باز هم فاطمه بنت ابی حبیث است که خود نزد پیامبر(ص) رفته و سؤال کرد و به حدی بود که وقتی در تشت می نشست زردی خون، آب را فرا می گرفت.

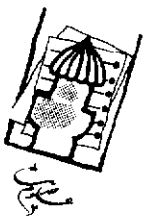
۶۷. الکافی، ج ۴، ص ۴۵۶.

۶۸. النجعة، ج ۵، ص ۴۰.

۶۹. همان، ج ۵، ص ۴۵۲ و ج ۴، ص ۶۸-۶۷.

۷۰. الکافی، ج ۳، ص ۸۳.





به نظر علامه اقتضای سیاق روایت این است که نفر دوم غیر از نفر اول باشد. ایشان معتقد است شکی نیست که نفر اول فاطمه بنت ابی حبیب است، چون سنن ابی داوود با چند سند روایتی را نقل می کند که در آن ام سلمه از پیامبر حکم مستحاضه دارای عادت را پرسید<sup>۷۱</sup> و حماد بن زید در حدیثی<sup>۷۲</sup> او را فاطمه بنت ابی حبیب دانسته است. همچنین با دو سند<sup>۷۳</sup> از عروة بن زبیر نقل کرده که شخص دارای عادت، «فاطمه» بوده است.

اما شخص مضطربه - که عادت او به هم خورده بود - «ام حبیب بنت جحش»، خواهر زینب بنت جحش، همسر پیامبر اکرم (ص) بوده است. اسد الغابة از ام حبیب بنت جحش نقل کرده که وی استحاضه شد، پس پیامبر (ص) به او امر کرد تا برای هر نماز غسل نماید و هنگامی که می خواست از تشت خارج شود، سرخی خون بر آب چیره می شد. به این ترتیب، مرحوم علامه با توجه به وجود قراین مشابه در قسمت دوم از روایت امام صادق (ع) و روایت اسد الغابة، نفر دوم را ام حبیب بنت جحش می دانند و عبارت فاطمه بنت ابی حبیب را محرف می شمارند.<sup>۷۴</sup>

#### ۹. وجود تناقض در متن روایت

الکافی در «کتاب زکات» روایت زیر را نقل می کند:

عن علی بن مهزیار قال: قرأت فی کتاب عبد الله بن محمد الی ابی الحسن (ع) روی عن ابی عبد الله (ع) انه قال: وضع رسول الله (ص) الزکاة علی تسعة اشیاء. الحنطة والشعیر و التمر و الزبیب و الذهب و الفضة و الغنم و البقر و الابل و عفا رسول الله (ص) عما سوی ذلك، فقال له القائل: عندنا شیء کثیر

۷۱. سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۷۱.

۷۲. همان، ج ۱، ص ۷۲.

۷۳. همان، ج ۱، ص ۷۲ و ۷۳.

۷۴. النجعة، ج ۱، ص ۲۴۸-۲۴۵.



يكون اضعاف ذلك . فقال : وما هو؟ فقال : الارز . فقال ابو عبدالله(ع) : اقول  
لك ؛ ان رسول الله(ص) وضع الزكاة على تسعة اشياء و عفا عما سوى ذلك ، و  
تقول : عندنا ارز و عندنا ذرة و قد كانت الذرة على عهد رسول الله(ص) - فوقع(ع)  
كذلك هو - و الزكاة على كل ماكيل بالصاع . ۷۵

مرحوم علامه در ذیل این حدیث می فرماید :

معنای عبارت «فوقع(ع) كذلك هو» این است که ابوالحسن(ع) تکذیب امام  
صادق(ع) را درباره غیر نه مورد مذکور پذیرفته است ، در حالی که عبارت «و الزكاة  
على كل ماكيل بالصاع» با عبارات اول تناقض دارد . پس در روایت ، تحریف  
صورت گرفته است و باید گفت از عبارت «فوقع(ع)» به بعد زیاده است . ۷۶

#### ۱۰ . نارسایی در معنای روایت

در برخی موارد معنای روایت صحیح به نظر نمی رسد؛ به عنوان مثال ، در کتاب حج  
التهذیب روایت زیر را درباره انواع حج ذکر می کند :

عن الحلبي ، عن ابي عبدالله(ع) : انما نسك الذي يقرن بين الصفا و المروة مثل  
نسك المفرد ، و ليس بافضل منه الا بسياق الهدى - الخبر . ۷۷

طبق نظر مرحوم علامه ظاهراً عبارات «يقرن بين الصفا و المروة» در اینجا محرف  
«يقرن بين الحج و العمرة» است ، و الا جمع بين صفا و مروه نشانه خاص هیچ یک از انواع  
حج نیست و در روایت مذکور معنا ندارد . ۷۸

#### ۱۱ . عدم تناسب بین سؤال و جواب

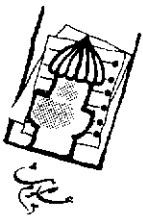
گاهی سؤال و جواب ذکر شده در روایت در یک زمینه نیستند . التهذیب در کتاب

۷۵ . الکافی ، ج ۳ ، ص ۵۱۰ .

۷۶ . النجعة ، ج ۴ ، ص ۱۳ .

۷۷ . تهذیب الاحکام ، ج ۵ ، ص ۴۲ .

۷۸ . النجعة ، ج ۵ ، ص ۱۳۸ - ۱۳۷ .



طهارت روایت زیر را نقل کرده است .

عن يعقوب بن يقطين، عن الكاظم(ع)، سألته عن غسل الميت افيه وضوء الصلاة  
ام لا؟ فقال: غسل الميت بيده بمرافقه فيغسل بالخرص، ثم يغسل وجهه و رأسه  
بالسدر ... ٧٩

مرحوم علامه در ذیل این روایت می فرماید:

جواب این سؤال که آیا در غسل میت وضوء لازم است یا خیر در روایت نیامده  
است و بعید نیست که در آن تحریفی روی داده باشد. ٨٠

گاهی اوقات نیز بخشی از سؤال بدون پاسخ می ماند که نشانه حذف و سقط قسمتی  
از پاسخ است. ٨١

و در برخی موارد دیگر، کیفیت جواب نشان از وقوع تحریف در اصل سؤال دارد. ٨٢

١٢ . عدم تناسب بین صدر و ذیل

گاهی ذیل روایت، گواه تحریفی در صدر آن است. اقبال روایتی را درباره غسل های  
مستحبی نقل کرده:

عن عبدالرحمن البصرى، عن الصادق(ع): اغتسل في ليلة اربع و عشرين من  
شهر رمضان ما عليك ان تعمل في الليلتين جميعاً. ٨٣

مرحوم علامه معتقد است با توجه به این که در ذیل روایت به بحث اشتباه شدن روز  
اول ماه رمضان اشاره شده است، معلوم می شود که این بحث از صدر روایت ساقط شده  
است. ٨٤

٧٩ . تهذيب الأحكام، ج ١، ص ٤٤٦ .

٨٠ . النجعة، ج ١، ص ٣١٤ .

٨١ . همان، ج ١، ص ٣٤٦ .

٨٢ . همان، ص ٣٠٦ .

٨٣ . الاقبال بالاعمال الحسنة، ص ٢١٦ .

٨٤ . النجعة، ج ٣، ص ٤٦ .



گاهی نیز عدم ارتباط بین صدر و ذیل، نشان از وقوع تحریف در کل روایت دارد.<sup>۸۵</sup>

### ۱۳. وقوع تکرار در روایت

الکافی در شرایط حج، روایتی را ذکر می کند که در آن چنین آمده است:

عن الفضل بن عبدالمملک، عنه (ع)، سألته عن رجل لم یکن له مال، یحجج به اناس من اصحابه اقصی حجة الاسلام؟ قال: نعم، فاذا ایسر بعد ذلك فعليه ان یحجج، قلت: فهل تكون حجته تلك تامة او ناقصة اذا لم یکن حجج من ماله؟ قال: نعم یقضی عنه حجة الاسلام، و تكون تامة و لیست بناقصه و ان ایسر فلیحجج - الخیر.<sup>۸۶</sup>

مرحوم علامه معتقد است با توجه به وقوع تکرار در معنای «ان ایسر فلیحجج»، این عبارت احتمالاً نسخه بدل عبارت «فاذا ایسر بعد ذلك فعليه ان یحجج» بوده و به همین خاطر، در بین سطرها درج شده، ولی کتاب به اشتباه، آن را جزء جمله آخر فرض کرده و در انتهای روایت نوشته است.<sup>۸۷</sup>

### ۱۴. به قرینه نام باب یا موضوع کتاب

الکافی در «باب ترییع قبر» از ابواب جنائز، روایت زیر را نقل کرده است:

عن قدامة ابن زائدة قال: سمعت الباقر (ع) یقول: ان النبی (ص) سلّ ابراهیم ابنه سلاً و رفع قبره.<sup>۸۸</sup>

مرحوم علامه درباره این حدیث می فرماید:

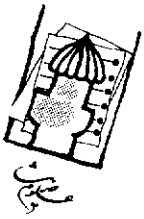
در نسخه ها «رفع» آمده است، ولی ظاهراً این کلمه محرف «ربیع» است؛ چون از نظر نوشتاری کاملاً شبیه هم هستند و اگر «ربیع» نبود، تشکیل و نامگذاری این

۸۵. همان، ج ۷، ص ۱۵۴.

۸۶. الکافی، ج ۴، ص ۲۷۴.

۸۷. النجعة، ج ۵، ص ۸.

۸۸. الکافی، ج ۳، ص ۱۹۹.



باب معنا نداشت ، چون در هیچ یک از اخبار یازده گانه این باب ، اسمی از تبریع برده نشده است . ۸۹

نکته ای که در پایان این بخش لازم به ذکر است این است که در بسیاری از احادیث و روایات ، مرحوم علامه در استدلال بر وقوع تحریف به یک عامل اکتفا نکرده و دو یا چند عامل متفاوت را مؤید نظر خود قرار می دهد که در بسیاری از موارد نشانه تسلط فراوان ایشان بر منابع مختلف و همچنین دقت نظر ایشان است . این مسأله در بسیاری از مثال های ذکر شده وجود داشت که ما به جهت اختصار ، به ذکر دلیل مورد نظر اکتفا کردیم . در مواردی نیز ایشان اشاره ای به نحوه کشف تحریف ننموده و صرفاً احتمال وقوع تحریف را بیان نموده اند .

### جعل در اخبار

وقوع جعل در برخی از اخبار امری مسلم است که ائمه (ع) نیز به این مسأله اشاره داشته اند . مرحوم علامه حتی الامکان سعی در جمع بین روایات دارد و در موارد ناممکن تلاش می کند ، این مسأله را با بیان احتمال تحریف در روایات حل کند . فقط در موارد معدودی است که ایشان حکم به جعلی بودن روایت می کند .

مانیز در اینجا به ذکر چند نمونه از این اخبار اشاره می نمایم .

۱ . در تفسیر عیاشی آمده است :

عن علی بن ابی حمزة ، سالت الكاظم (ع) عن قوله تعالى : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ - أَلِي - أَلِي - الْكَعْبَيْنِ » فقال : صدق الله ، قلت : كيف يتوضأ؟ قال : مرتين مرتين ، قلت : المسح؟ قال : مرة مرة ، قلت : من الماء مرة؟ قال : نعم ، قلت فالقدمين؟ قال : اغسلهما غسلان .

مرحوم علامه در ذیل این روایت می فرماید :



سند این روایت به خاطر وجود علی بن حمزه بطائنی ضعیف است و متن آن نیز باطل است، چون مخالف قرآن و اجماع امامیه است.<sup>۹۰</sup>

۲. التهذیب درباره جنابت زن خبری را نقل کرده است:

عن عیید بن زرارۃ، قلت له: هل علی المرأة غسل من جنابتها اذا لم یاتها الرجل؟ قال: لا وایکم یرضی ان یری او یصبر علی ذلك ان یری ابنته او اخته او امه او زوجته او احداً من قرابته قائمه تغتسل، فیقول: مالک؟ فتقول: احتلمت و لیس لها بعل، ثم قال: لا لیس علیهن ذلك، و قد وضع الله ذلك علیکم، قال: «وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا» و لم یقل ذلك لهن.<sup>۹۱</sup>

مرحوم علامه معتقد است متن این روایت خود گواه شاذ بودن آن و عدم صدور آن از معصوم است، چرا که در میان کلام از زوجه اسم برده و آنگاه می گوید همسری ندارد. یا «إِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا»<sup>۹۲</sup> را خطاب به مردان می داند که در این صورت باید گفت پس در هیچ کجا نباید حکم به وجود غسل جنابت بر زنان نمود و از سوی دیگر، آیاتی همچون «وَإِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ»<sup>۹۳</sup> را نیز باید مختص مردان دانست و زنان را خارج از دایره حکم وضو و تیمم بدانیم.<sup>۹۴</sup>

۳. مرحوم علامه پس از بیان این نکته - که کتب ادعیه گاهی مسائل استحسانی را بدون مستند ذکر می کنند- روایتی را از الکافی نقل می کند:

عن عمر بن یزید، عن الصادق(ع): اذا حضر الميت اربعون رجلاً فقالوا: «اللهم انا لا نعلم منه الا خیراً» قال الله عزوجل قبلت شهادتکم و غفرت له ما علمت ما لا تعلمون.<sup>۹۵</sup>

۹۰. همان، ص ۱۷۶.

۹۱. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۲۴.

۹۲. سوره مائده، آیه ۶.

۹۳. پیشین.

۹۴. النجمۃ، ج ۱، ص ۲۰۵.

۹۵. الکافی، ج ۳، ص ۲۵۴.



مرحوم علامه در ذیل این روایت می فرماید:

چگونه ممکن است مثل این روایت صحیح باشد در حالیکه خداوند می فرماید:  
 «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ  
 يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»<sup>۹۶</sup> «وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا  
 حَاسِبِينَ»<sup>۹۷</sup> ، «وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ  
 تَوَصَّوْا بِالْحَقِّ وَتَوَصَّوْا بِالصَّبْرِ»<sup>۹۸</sup>.

و ائمه (ع) فرموده اند:

هر خبری که مخالف قرآن باشد، باطل است. ما آن را نگفته ایم و افترای بر  
 ماست.<sup>۹۹</sup>

۴. مرحوم علامه در باب کفن میت، پس از ذکر چند روایت که ثواب های بسیار  
 زیادی را برای نوشتن برخی دعاها و یا سوره های قرآن بر روی کفن ذکر نموده اند،  
 می فرماید:

پس اگر کسی بگوید من مسلمانم و نماز نخواند، روزه نگیرد، زکات ندهد و به  
 حج نرود و فقط آنچه را که در این روایات آمده بر روی کفن خود بنویسد، کافی  
 است تا صاحب جایگاه رفیعی همچون سلمان و ابوذر شود!<sup>۱۰۱</sup>

و آنگاه پس از بیان یک روایت تحریف شده می فرماید:

اگر قرار شود که به هر نوشته ای عمل شود، باید فاتحه انسانیت را خواند تا چه  
 رسد به اسلام.<sup>۱۰۰</sup>

۵. التهذیب در دو روایت از باب فضل مساجد آورده است:

۹۶. سوره زلزله، آیه ۶-۸.

۹۷. سوره انبیاء، آیه ۴۷.

۹۸. سوره عصر.

۹۹. النجعة، ج ۱، ص ۳۵۸ و ۳۵۹؛ الکافی، ج ۱، ص ۶۹.

۱۰۰. النجعة، ج ۱، ص ۳۶۱.

۱۰۱. تهذیب الأحکام، ج ۳، ۲۵۷.



عن عبید بن زرارة عن الصادق (ع) كان ابو جعفر (ع) یصلی فی المسجد فیبصق

امامه و عن یمنه و عن شماله و خلفه علی الحصى و لا یغطیه. ۱۰۱

و«عن محمد بن علی بن مهزیار» رأیت ابا جعفر الثانی (ع) تفل فی المسجد الحرام

فی ما بین الرکن الیمانی و الحجر الاسود و لم یدفنه. ۱۰۲

مرحوم علامه در ذیل این دو حدیث پس از بیان احتمال شاذ بودن آن دو و مجعول بودنشان

روایاتی را مبنی بر تعدد و تلاش برخی افراد برای وضع حدیث به نام ائمه (ع) نقل می کند.

### نقد دیدگاه علامه در مسأله تحریف و جعل

وجود برخی روایات جعل شده و یا تحریف شده در میان کتب حدیثی شیعه امری تقریباً مورد

اتفاق و مسلم است. تاکنون نیز نویسندگان و محققانی در اثنای کتاب های خود به این بحث

پرداخته اند و موارد معدودی از تحریف یا جعل را مشخص نموده اند. ولی توجه به مسأله

تحریف و تصحیف در تمام روایات به مثابه یک کار لازم در طول نوشتن یک دوره فقه و در

نهایت جمع آوری اخبار تصحیف شده و جعلی در یک کتاب با عنوان «الاخبار الدخیلة» - که

در بخش عمده ای مطالب آن با کتاب النجعة مشترك است - کار جدیدی است که در تاریخ

حدیث پژوهی شیعه به نام مرحوم علامه ثبت خواهد شد.

آیت الله رضا استادی درباره جدید بودن این کار، به ویژه از نظر مشخص کردن

روایات مجعول می فرماید:

تنها کتابی که از علمای شیعه در موضوع اخبار موضوعه سراغ داریم، کتاب

گرانقدر الاخبار الدخیلة، تألیف مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی شوشتری

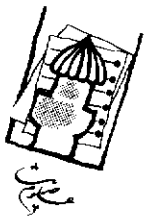
است. ۱۰۳

آنچه به طور کلی می توان از این عبارت و موارد مشابه آن و همچنین از مقالاتی که به

۱۰۲. همان.

۱۰۳. سخنی درباره الاخبار الدخیله، رضا استادی، آینه پژوهش، شماره سوم، سال ششم، ص ۱۶، ۱۳۷۴.





منظور توضیح و تبیین روش علامه در نقد احادیث نوشته شده فهمید، این است که معمولاً با اصل کار و تا حدی با روش آن موافق اند و آن را مثبت ارزیابی می نمایند.

البته در این میان برخی نسبت به بخش اخبار جعلی اعتراضاتی دارند. آیت الله رضا استادی می فرماید:

این که شنیده شده که یکی از اعظام مراجع تقلید(ره) به صورت انتقاد فرموده بود: چنین تالیفی در شیعه سابقه نداشته، ظاهراً مقصودشان همین بوده که در شیعه کتابی به عنوان اخبار موضوعه نداشته ایم و گرنه تحقیق و بررسی اخبار و مقایسه آنها با هم و کشف برخی از تحریف ها و تصحیف ها که حجم عمده کتاب الاخبار الدخیلة را تشکیل می دهد، در شیعه سابقه طولانی دارد. کتاب هایی از قبیل مرآة العقول، الوافی، شرح الفقیه و از همه مهم تر منتقى الجمان شاهد این مطلب است. ۱۰۴

شدیدترین اعتراضی که علیه این کار علامه صورت گرفت، مقاله ای است با عنوان «النقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالأخبار الدخیلة» که توسط حضرت آیت الله صافی گلپایگانی نگاشته شد.

ایشان در این مقاله، نظر مرحوم علامه را درباره جعلی بودن ده روایت از روایات - که مربوط به اشخاص ملاقات کننده با امام زمان(عج) است - نقد می کنند.

آیت الله صافی گلپایگانی در مقدمه خود در این مقاله پس از اعتراضات نسبتاً تندی به کتاب الاخبار الدخیلة می فرماید:

چنین تصور نشود که ما اصل مسلم وجود احادیث تحریف شده و جعلی را منکریم و مقصود ما حکم به صحت تمام احادیث موجود در کتاب هاست. اعتماد به روایات باید بر اساس قواعد صحیح، سالم و عقلانی باشد؛ بخصوص قواعدی که در روایات معتبر ذکر شده است. هدف ما این است که:



اولاً، این اخبار - اگر نگوییم برخی از آنها اصلاً ضعیفی ندارد - در این سطح از ضعف که مولف تلاش در تبیین آن دارد نیست .

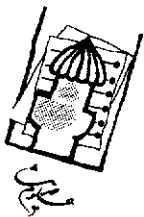
ثانیاً، حمله به کتاب‌هایی از قبیل کمال الدین و الغیبة طوسی - با این که مولفان این کتاب‌ها از متخصصان در حدیث و از بزرگان آشنای به احادیث و مشکلات آن هستند و به وسیله این کتاب‌ها بر علیه مخالفین احتجاج نموده‌اند - بار د آنها و اصرار بر وجود مشکلات فراوان در روایات آنها و اینکه گفته شود این کتاب‌ها صحیح و ناسالم و ارزشمند و بی ارزش را در کنار هم آورده‌اند، فایده‌ای جز به بار آوردن سوءظن درباره احادیث دیگر در برخی جاهلان ندارد و شایسته نیست از امثال ایشان (مرحوم علامه) صادر شود . بله، اگر در برخی احادیث مسائلی مخالف اصول اصلی اعتقادات ما بود، باید متعرض اشکالات آن شد و در آن باره سخن بسیار گفت . ۱۰۵

ظاهراً ایراد دوم ایشان از روی دلسوزی و نگرانی نسبت به ایراد اشکال به کتب اعتقادی است و از این رو ایشان معتقدند بجز در مواردی که سخنی بر خلاف اصول اعتقادی باشد، نباید متعرض اشکالات ریز و جانبی احادیث - که ممکن است بعداً در آن رخ داده باشد - شد .

به نظر می‌رسد در عصر حاضر که گروه‌های مختلفی سعی در ایجاد تشکیک در اعتقادات شیعه دارند و در این راه به هر بهانه کوچکی تمسک می‌جویند، کشف و اصلاح اینگونه اشکالات - البته بر اساس موازین و قواعد صحیحی که موجبات هرج و مرج را فراهم نیاورد - می‌تواند به نوعی در برابر این گونه جریانات ایجاد مصونیت نماید .

به نظر می‌رسد ایراد اول ایشان، یعنی ضعف ادله مرحوم علامه در برخی موارد صحیح به نظر می‌رسد . در النجعة به مواردی برمی‌خوریم که مرحوم علامه علی‌رغم اینکه می‌توانند مشکل حدیث را از راه دیگری حل نمایند، بلافاصله احتمال وقوع تحریف

۱۰۵ . الفقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالاخبار الدخيلة، لطف الله صافي گلپایگانی، نور علم، شماره ۲۲، ص ۱۳۶، ۱۳۶۶ .



یا تصحیف را مطرح می نمایند، که در برخی از این موارد استاد علی اکبر غفاری مصحح کتاب نیز در پاورقی این مساله را بیان می نماید.

اشکال دیگری که به نظر می رسد در مواردی بر علامه وارد است، توسط آیت الله

استادی چنین بیان شده است:

در بسیاری از موارد آنچه به عنوان نظر مولف مطرح شده، بیش از احتمال یا مظنه ای نیست، اما در تعبیر ایشان به صورت قطع و جزم بیان شده است؛ مثلاً اگر یک روایت در دو جا بیان شد و در یک نقل جمله ای توضیحی اضافه داشت، این موجب می شود احتمال دهیم جمله اضافه از کلام راوی یا مولف کتاب باشد که به آن افزوده شده؛ اما نمی توانیم به صورت قطع، به این مطلب حکم کنیم و همینطور شباهت دو کلمه یا دو جمله در شکل نوشتن، موجب می شود احتمال دهیم یکی تصحیح دیگری است؛ اما نمی توانیم ادعای قطع کنیم؛ مثلاً «عن سماعة» شبیه «عن سمعه» است و مرحوم شوشتری فرموده دومی تصحیف اولی است. این حدس، حدس مقبولی است، اما بیش از احتمال یا مظنه نیست. ۱۰۶

در اینجا به ذکر نمونه هایی از این دو اشکال در کتاب النجعة اشاره می نمائیم:

۱. الفقیه در باب صلاة مریض روایتی آورده است:

قال امیر المؤمنین (ع): دخل النبی (ص) علی رجل من الانصار و قد شبکته الريح فقال: یا رسول الله کیف اصلی: فقال: ان استطعتم ان تجلسوه فاجلسوه والا فوجهوه الی القبلة و مروه فلیؤم براسه ایما و يجعل السجود اخفض من الركوع و ان کان لا یستطیع ان یقرأ فاقروا عنده و اسمعوه. ۱۰۷

مرحوم علامه پس از بیان اینکه به قرینه سیاق «کیف اصلی» محرف «کیف یصلی»

است، می فرماید:

۱۰۶. رضا استادی، ص ۱۸ و ۱۹.

۱۰۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۶۲.



عبارت «و يجعل السجود اخفض من الركوع» باید پس از «فاجسلوه» باشد که تحریف شده و در غیر جای خودش آمده است. ۱۰۸

اولاً، این صرفاً یک احتمال است، در حالی که با جزم بیان شده است. ثانیاً به نظر می‌رسد که عبارت الفقیه بهتر از پیشنهاد مرحوم علامه است. منظور روایت این است که وقتی نشسته یا خوابیده رو به قبله بود، به جای رکوع و سجود با سر اشاره نماید (حکم قرائت بعداً بیان شده است) و در این اشاره‌ها، اشاره رکوع خفیف تر از اشاره سجود باشد. با این بیان دیگر نیازی به طرح احتمال مرحوم علامه باقی نمی‌ماند.

۲. الکافی در باب قرائت قرآن از ابواب صلاة روایتی را نقل کرده است:

عن سماعة: سألته عن قوله تعالى: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا» قال: المخافتة مادون سمعك والجهر ان ترفع صوتك شديداً. ۱۰۹

مرحوم علامه در ذیل این روایت می‌فرماید:

ظاهراً عبارت «ان ترفع» محرف «ان لا ترفع» می‌باشد، گواه آن نیز بقیه آیه است

که «وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» ۱۱۰، ۱۱۱.

ظاهراً در این مورد نیز نظر ایشان صحیح نیست، چون امام در روایت، معنای جهر و مخافته را بیان می‌کنند تا معنای عدم جهر و عدم مخافته - راه میانه - مشخص شود. به همین دلیل در مورد مخافته می‌فرمایند: «آنچنان که خود نشنوی» و در مورد جهر می‌فرمایند: «این که صدایت را به شدت بالا ببری». در نتیجه، معنای آیه این می‌شود که نه چنان آرام بخوان که خود نشنوی و نه آن چنان فریاد بزنی.

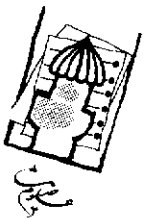
۳. الخصال در روایتی چنین آورده است:

۱۰۸. النجعة، ج ۲، ص ۲۳۳.

۱۰۹. الکافی، ج ۳، ص ۳۱۵.

۱۰. سوره اسراء، آیه ۱۱۰.

۱۱۱. النجعة، ج ۲، ص ۲۴۹.



عن الاصبغ، عن امير المؤمنين(ع): ستة لا ينبغي ان يؤموا الناس ولد الزنا والمرتد  
والاعرابي بعد الهجرة و شارب الخمر و المحدث و الاغلف. ۱۱۲

مرحوم علامه در ذیل این روایت می فرماید:

شاید «بعد الهجرة» تحریف شده «قبل الهجرة» باشد، چرا که در روایتی در الفقیه  
نیز آمده است:

روی محمد بن مسلم عن ابی جعفر(ع): خمسة لا يؤمّون الناس و لا يصلون بهم  
صلاة فريضة في جماعة الا برص و المجذوم و ولد الزنا و الاعرابي حتى يهاجر و  
المحدود ۱۱۳. ۱۱۴

درباره این روایت نیز باید گفت با توجه به مذمت تعرب بعد الهجرة در روایات - کما  
اینکه استاد غفاری نیز در پاورقی اشاره نموده اند - احتمالاً روایت اول صحیح تر است؛  
اگر نگوییم روایت دوم را به خاطر روایت اول تحریف شده می دانیم.

۴. الفقیه درباره نماز جمعه در روایتی از امیر المؤمنین(ع) آورده است:

لا كلام و الامام يخطب الا كما يحل في الصلاة. ۱۱۵

مرحوم علامه می فرماید:

«كما يحل» محرف «كما لا يحل» است. ۱۱۶

در اینجا به نظر می رسد عبارت الفقیه صحیح تر از حدس مرحوم علامه است؛ چون  
منظور روایت این است که در هنگام خطبه نماز، صحبت جایز نیست، مگر به صورتی که  
در نماز جایز است (احتمالاً ذکر گفتن و مواردی از این قبیل).

و اگر منظور روایت این بود که صحبت جایز نیست، همان گونه که در نماز جایز  
نیست، باید هم «یحل» را محرف «لا يحل» بدانیم و هم کلمه «الا» را زیاد بدانیم.

۱۱۲. الخصال، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۳۳۱.

۱۱۳. من لا يحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۸.

۱۱۴. النجعة، ج ۳، ص ۳۲۶ و ۳۲۷.

۱۱۵. من لا يحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۱۶.

۱۱۶. النجعة، ج ۲، ص ۳۶۹.



۵. مکارم طبرسی روایتی را درباره نماز انتصار نقل کرده است:

عن الصادق(ع): اذا ظلمتَ بمظلمة فلا تدع على صاحبك، فان الرجل يكون مظلوماً فلا يزال يدعو حتى يكون ظالماً لكن اذا ظلمت فاغتسل و صلّ ركعتين في موضع لا يحجبك عن السماء، ثم قل: «اللهم ان فلان بن فلان قد ظلمنى و ليس لى احد اصول به غيرك فاستوف ظلامتى الساعة الساعة بالاسم الذى سالك به المضطر فكشفت ما به من ضرر و مكنت له فى الارض و جعلته خليفتك على خلقك فاستنك ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تستوفى لى ظلامتى الساعة الساعة» فانك لا تلبث حتى ترى ما تحب. <sup>۱۱۷</sup>

مرحوم علامه در ذیل این حدیث می فرماید:

«کشف» تحریف شده «فتکشف» است و «مکنت» تحریف شده «تمکن» و «و جعلته» تحریف شده «و تجعله» است؛ چون در روایت آمده است که آیه درباره او [احتمالاً امام زمان(عج)] است.

استاد علی اکبر غفاری در پاورقی می فرماید:

ممکن است گفته شود: به قرینه آیه «اتى جاعلك للتاس اماماً»<sup>۱۱۸</sup>، منظور از مضطر در این روایت ابراهیم(ع) است که می خواستند او را در آتش بسوزانند؛ در این صورت نیازی به در تقدیر گرفتن تحریف نیست و منافاتی هم با خبری که تاویل آیه را بیان می کند ندارد.<sup>۱۱۹</sup>

به نظر می رسد برداشت جناب آقای غفاری بیشتر با سیاق روایت - که معمولاً مرحوم علامه به آن استناد می کند - سازگار باشد.

۱۱۷. مکارم اخلاق، ص ۳۳۲، انتشارات شریف رضی قم، ۱۴۱۲ ق. البته در این نسخه به جای «اذا ظلمت» آمده است «اذا طلبت» که با توجه به اینکه در وسائل نیز «اذا ظلمت» نقل شده احتمالاً این نسخه تصحیف شده است. وسائل، ج ۸، ص ۱۱۶.

۱۱۸. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۱۱۹. النجعة، ج ۳، ص ۹۸.